

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۸۹

جمعه ۱۸ آبان ۱۳۹۷، ۹ نوامبر ۲۰۱۸

سیر تحولات جنبش زنان و انقلاب زنانه در ایران در چهار دهه گذشته

بخش دوم متن پیاده شده برنامه خیابان،
میزگرد با شهلا دانشفر، مینا احدی، مصطفی
صابر و شیرین شمس

تهیه و تنظیم: کیان آذر، شیرین شمس

صفحه ۶

بیانیه حزب کمونیست کارگری

در مورد دور دوم تحریمهای اقتصادی
آمریکا علیه جمهوری اسلامی

صفحه ۲

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری:

تهدیدات تروریستی جمهوری اسلامی علیه
اپوزیسیون محکوم به شکست است!

صفحه ۲

پیگرد قضائی سه عضو کانون نویسندگان را
محکوم میکنیم

صفحه ۸

چهارمین روز اعتصاب سراسری
کارگران نیشکر هفت تپه

صفحه ۱۰

تجمع معلمان مشهد

در اعتراض به ربودن هاشم خواستار

صفحه ۲

اعتصاب سراسری رانندگان کامیون به

۶۵ شهر رسید

صفحه ۱۲

فراخوان کارگران گروه ملی فولاد به تجمع مقابل استانداری اهواز

کارگران گروه ملی فولاد اهواز بنا به اولتیماتومی که در حرکت اعتراضی قبلی خود در چهاردهم آبانماه داده بودند، به خاطر خلف وعده های مدیریت برای ساعت هشت و نیم صبح روز ۱۹ آبان فراخوان به تجمع داده اند. این

کارگران ۴ ماه دستمزد طلب دارند. همچنین به گفته کارگران قریب یکماه است که ورود مواد اولیه به کارخانه با مشکل روبرو شده و خطوط تولید بخشهای کوثر و لوله سازی رو به خاموشی است و این وضعیت خطر بیکاری کارگران را در

پی دارد.

در همین رابطه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در روز ۱۴ آبان دست از کار کشیدند و مقابل مجموعه اداری این شرکت تجمع کردند. سپس دسته جمعی به تالار

صفحه ۲

معلمان در تدارک دو روز اعتصاب سراسری

و تحصن در مدارس

"شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان" برای روزهای ۲۲ و ۲۳ آبان معلمان در سراسر کشور را به اعتصاب سراسری و تحصن در مدارس فراخوانده است. شورای هماهنگی در بیانیه خود که در هفدهم آبانماه منتشر شده درخواست پایان دادن به برخوردهای امنیتی و پرونده سازی های قضایی برای معلمان و دستگیری ها و آزادی فوری معلمان بازداشتی تاکید کرده است. بیانیه در عین حال اعتراض

معلمان را به "طرح معلم تمام وقت" که هدف آن طولانی تر کردن ساعت کار معلمان است اعلام کرده است. در این فراخوان همچنین بر خواسته های فوری ای چون تامین و تضمین اختصاص بودجه لازم برای رفع تبعیض علیه معلمان، اجرای فاز دوم رتبه بندی، توقف طرح معلم تمام وقت و توقف روند پرونده سازی و سرکوب معلمان و آزادی معلمان دربند تاکید شده است. فراخوان شورای هماهنگی

تشکلهای صنفی با تاکید برتحصیل رایگان و با کیفیت يك خطاب مهمش به دانش آموزان و خانواده هایشان است. بدین ترتیب این فراخوان کل جامعه را مورد خطاب خود قرار داده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در فراخوان ۲۲ و ۲۳ مهر ماه که بیش از ۶۰ شهر را در بر گرفت، اولتیماتوم داده بودند که اگر به خواسته هایشان پاسخ داده نشود

صفحه ۲

بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

کیوان جاوید: تاریکخانه ارواح و صدای پای انقلاب

حسن صالحی: شاهزاده بی تاج و تخت!

کاظم نیکخواه: آسیه نورین از حکم اعدام تا آزادی

صفحه ۴

تجمع بزرگ کارگران نیشکر هفت تپه برای شنیدن

سخنان نمایندگان شورایشان

صفحه ۳

شهلا دانشفر

رسول بداعی از چه دفاع میکند؟

صفحه ۳

کاظم نیکخواه

کارگران در هفته ای که گذشت

صفحه ۵

شهلا دانشفر

در حاشیه "طرح واگذاری اینترنت به نیروهای مسلح" حکومت!

صفحه ۱۱

محمد شکوهی

دنیای وارونه ها

صفحه ۹

سینا پدram

بیانیه حزب کمونیست کارگری

در مورد دور دوم تحریمهای اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی

دور دوم تحریمهای اقتصادی دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی از ۵ نوامبر شروع شده است. این تحریمها مراکز کلیدی و حیاتی اقتصادی از قبیل صنعت نفت، انرژی، هواپیمایی، بانکها و موسسات مالی، کشتی رانی، بیمه و بخشهای مهم دیگری را دربر میگیرد. صدها شخصیت حقیقی و حقوقی جمهوری اسلامی شامل این تحریمها میشوند. بر اساس این تحریمها دولتها و موسساتی که تحریمهای آمریکا علیه اقتصاد ایران را رعایت نکنند شامل سیاست تحریم آمریکا خواهند شد و اجازه ندارند با موسسات آمریکایی مرادده اقتصادی خود را ادامه دهند. وزیر امور خارجه آمریکا هنگام اعلام این تحریمها خبر داد که کشورهای چین، هند، ژاپن، کره جنوبی، ایتالیا، ترکیه، تایوان و یونان به مدت شش ماه از تحریمهای نفتی علیه ایران معافیت گرفتند اما همه این کشورها تعهد کردهاند تا اقدام به کاهش واردات نفت خود از ایران

کنند. روشن است که این تحریمها ضربه عظیمی را به اقتصاد فی الحال به گل نشسته جمهوری اسلامی وارد میکند و عملاً شیرازه اقتصادی را از هم خواهد گسست. تاکنون دهها کشور از مرادادات اقتصادی با ایران به دلیل تحریمهای آمریکا عقب کشیده اند و صدها شرکت مهم اقتصادی نیز قراردادهای خود با طرفهای ایرانی را ملغاً نموده اند. صادرات نفت ایران که مهمترین منبع درآمد جمهوری اسلامی است، به نصف کاهش یافته است و از این نیز بیشتر کاهش خواهد یافت. اقتصاد ایران در جمهوری اسلامی با تحریمهای جدید بیش از پیش به اقتصاد قاچاق و مافیائی متکی خواهد شد و تولید و صادرات و واردات رسمی آن عملاً به حد صفر نزدیک میشود. گرچه دولت آمریکا واردات دارو و مواد غذایی را از این تحریمها استثنا نموده است، اما هیچکس تردیدی ندارد که ابعاد وسیع

تحریمهای اقتصادی مستقیماً بر تمام جنبه های زندگی هم اکنون مشقت بار مردم تأثیرات مخربی خواهد گذاشت و گرانی و بی دارویی و بیکاری و فقر و کارتون خوابی و مرگ و میر کودکان و اعتیاد و تن فروشی را گسترش خواهد داد. اکثریت مردم ایران سالهاست در شرایط سخت و ریاضت اقتصادی ای که جمهوری اسلامی بر آنها تحمیل کرده مجالده شده اند و این تحریمها فشار اقتصادی را کمرشکن تر خواهد کرد و تا مین ساده ترین معیشت و نان شب را به معضل میلیونها مردم تبدیل خواهد کرد. هدف دولت آمریکا از تشدید تحریمهای اقتصادی آشکارا کشاندن حکومت اسلامی به پای میز مذاکره و کنار آمدن و سازش آن با سیاستها و استراتژی طبقه حاکم آمریکاست. تلاش جریاناتی که هدف دولت ترامپ را "کمک به مبارزات مردم ایران" معنی میکنند، جز فریبکاری چیز دیگری نیست. اما تلاش طیفهای گوناگون طرفدار حکومت

اسلامی برای میرا جلوه دادن این حکومت از این بحران که ادامه تبلیغات پوچ و رسوای آنها در مورد "گشایشهای عظیم برجام" است نفرت انگیز تر است. مسبب وضعیت کنونی بیش از هر چیز جمهوری اسلامی و سیستم سرمایه داری مافیائی حاکم است که جز فلاکت و عقب گرد چیزی برای مردم ببار نیاورده است. برای خاتمه بخشیدن به این وضعیت باید جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. این تحریمها و شرایطی که ایجاد کرده بحق خشم و نفرت مردم از جمهوری اسلامی را تشدید کرده و مبارزه برای سرنگونی این حکومت را گسترش بیشتری خواهد داد. ما مردم نمیتوانیم برای تامین امنیت و آرامش و رفاه خود، تمام دولتهای ارتجاعی دنیا را سر عقل بیاوریم. اما میتوانیم و باید در برابر يك حکومت ارتجاعی چپاولگر که ۴۰ سال است سیاستهایش چیزی جز فقر و ریاضت و مشقت و ناامنی و بحران برای ما ببار نیاورده است

قاطعانه تر مبارزه کنیم و آنرا بزیر بکشیم. جمهوری اسلامی فعالانه تلاش میکند تا بار این تحریمها و بحران کنونیش را نیز به دوش کارگران و مردم محروم بیندازد. این حکومت باید سرنگون شود. پاسخ بحرانهای مداوم و ناامنی و تحریمهای کمر شکن خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی یعنی حکومت مطرود و ضد انسانی ای است که زمیننه اصلی این وضعیت را سالهاست فراهم آورده است. در ایران يك جنبش گسترده و فعال مردمی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در جریان است. تقویت این جنبش و خلاص شدن هرچه سریعتر از شر جمهوری اسلامی، تنها راه خلاصی از وضعیت مشقت بار کنونی است. جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و مبتنی بر ارزشهای پیشرو انسانی را تنها میتوان برورانه های این حکومت برپا کرد. حزب کمونیست کارگری ایران ۷ نوامبر ۲۰۱۸ - ۱۶ آبان ۱۳۹۷

تهدیدات تروریستی جمهوری اسلامی علیه اپوزیسیون محکوم به شکست است!

حکومت اسلامی ایران در خارج کشور، دور دیگری از ترور علیه فعالین سیاسی و رهبران اپوزیسیون را آغاز کرده است. بعد از ترور در هلند و سازماندهی بمبگذاری در پاریس و طراحی ترور در دانمارک، اخیراً مطلع شدیم که در يك نشست سری مقامات حکومت اسلامی، در مورد ترور رهبران اپوزیسیون حکومت اسلامی و از جمله ترور رهبران حزب کمونیست کارگری ایران و بطور مشخص طرح ترور مینا احدی فعال سرشناس اپوزیسیون و سخنگوی حزب، صحبت شده است. در شرایطی که مردم ایران با اعتراضات گسترده و میلیونی خود، سوت پایان حکومت اسلامی را بصدآ آورده اند، و در شرایطی که موضوع سرنگونی حکومت اسلامی، گفتمان روزانه میلیونها نفر مردم ایران است، تشبثات حکومت

اسلامی برای نجات این کشتی در حال غرق، باز خون ریختن بیشتر و طراحی بمب گذاری و ترور و جنایت گسترده تر است. در ایران موجی از دستگیری و تهدید رهبران اعتراضات اجتماعی و ترور چهره های سرشناس جنبش های اعتراضی را شاهد هستیم، و در خارج کشور رسماً از سیاست از سرگیری ترورها و قتل رهبران اپوزیسیون حرف میزنند. اما این سیاست انسان کشی، نتیجه ای جز دمیدن بیشتر بر آتش خشم مردم و گسترش اعتراضات نداشته و نخواهد داشت. ما مردم جمهوری آدمکشان اسلامی را به طور قطع به زیر خواهیم کشید و سران و کارگزارانش را به جرم جنایت و آدمکشی در دادگاههای علنی محاکمه خواهیم کرد. حزب کمونیست کارگری ایران

کارزار بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی را فعالانه در سطح دنیا دنبال میکند و همه مردم و نیروهای مترقی در اروپا و در سراسر جهان را به اعتراض به حکومت اسلامی و اعمال فشار به دولتها و نهادهای بین المللی برای قطع رابطه با حکومت تروریستی جمهوری اسلامی و بستن سفارتخانه های آن فرامیخواند. دور نیست روزی که مردم ایران این حکومت ترور و جنایت را به زیاله دانی تاریخ بسپارند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ آبان ۱۳۹۷، ۵ نوامبر ۲۰۱۸

معلمان در تدارک دو روز اعتصاب ...

از صفحه ۱

باشند. از جمله خانواده های دانش آموزان، دانشجویان و نهاد ها و تشکلهای مختلف کارگری در سطح وسیعی از اعتصاب معلمان و خواستهایشان اعلام حمایت کردند. با این پشتوانه است که معلمان به تدارک تحصن و اعتصاب سراسری دو روز ۲۲ و ۲۳ آبان میروند. اعتصاب و تحصن دو روزه معلمان در ۲۲ و ۲۳ آبان حرکتی است در کنار اعتراضات سراسری دیگر بخش های جامعه که هر روز سازمانیافته تر و با خواستهای رادیکالتر دارد به جلو می آید. از اعتصاب و خواستهای اعتراضی معلمان برای بیست و دوم و آبانماه وسیعاً حمایت کنیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آبان ۱۳۹۷، ۸ نوامبر ۲۰۱۸

دوباره در آبانماه به میدان خواهند آمد. از همین رو فراخوان به اعتصاب و تحصن سراسری بیست و دوم و بیست و سوم آبانماه داده شده است. از جمله خواستهای مشخص معلمان، افزایش حقوقها به بالای ۶ میلیونی، تحصیل رایگان، برای همه کودکان، درمان رایگان، لغو مدارس خصوصی، آزادی فوری معلمان زندانی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و پایان دادن به کالایی شدن آموزش میباشد. معلمان در تجمعات قبلی خود نیز قاطعانه این خواستها را مورد پافشاری قرار دادند. يك دستاورد اعتصاب سراسری معلمان در مهرماه برجسته کردن خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان در راس خواستهای کل جامعه است. با این خواستها معلمان توانستند موجی از همبستگی را با خود داشته

تجمع بزرگ کارگران نیشکر هفت تپه برای شنیدن سخنان نمایندگان شورایشان



عنوان خصوصی سازی و بالا کشیدن دستمزدها و نداشتن امنیت شغلی موضوعات مهم اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه است. از جمله بنا بر خبرهای منتشر شده مدیر عامل شرکت هفت تپه میلیونها دلار را تحت عنوان انجام تعهدات شرکت از ارز دولتی دریافت کرده و به جیب زده و به تعهدات خود عمل نکرده است. گویا او هم اکنون در بازداشت بسر میبرد.

پیش بسوی شوراهای مستقل کارگری و مردمی

کردند. در این حرکت اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه به مسئولین دولتی اولتیماتوم جدی دادند که اگر تا روز شنبه آینده نوزدهم آبانماه به خواسته های آنان پاسخ داده نشود، اعتراض خود را به بیرون از شرکت منتقل خواهند کرد. گفتنی است که بنا بر مصوبه جلسه اخیر شورای تامین استان که با نمایندگان کارگران و کارفرما برگزار شد، مقرر شده بود که دوازدهم تا پانزدهم هر ماه حقوق کارکنان شرکت واریز شود، اما به این وعده عمل نشد و کارگران در اعتراض به این زورگویی آشکار و بالا کشیدن دستمزدهایشان در روز چهاردهم آبان تجمع زدند. اعتراض به دزدی ها تحت

و مبارزاتشان، بر اتحاد و همبستگی کارگران تاکید گذاشت. در خاتمه سخنان اسماعیل بخشی با کف زدن کارگران تاکید کرد. اقدام برای تشکیل شورای مستقل کارگری در نیشکر هفت تپه، اقدامی شغف آور و يك نقطه عطف مهم در امر سازمانیابی توده ای کارگری است. کارگران نیشکر هفت تپه دارند به کل کارگران و کل جامعه راه نشان میدهند. لازم به یادآوریست که کارگران نیشکر هفت تپه روز ۱۶ آبان ماه برای سومین روز در اعتراض به خلف وعده های کارفرما و مسئولین مربوطه و تعویق پرداخت سه ماه دستمزد دست به اعتصاب زدند و در مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع

شوراهای مستقل کارگری تاکید گذاشت. او در سخنانش اعلام کرد ما شورایی و جمعی حرکت میکنیم و اعتراض ما فردی نیست. و با گفتن اینکه فردگرایان و ناسیونالیست ها و قوم گرایان خود را به کارگران نچسبانند، بر آلترناتیو شوراهای مستقل کارگری و تصمیم گیری جمعی برای تعیین سرنوشت خود تاکید گذاشت. او گفت که ما میخواهیم از پایین تعیین تکلیف کنیم. هر چه از بالا سر ما تصمیم گرفتند بس است. حالا ما تعیین تکلیف میکنیم. با این سخنان اسماعیل بخش بر نقش شوراهای مستقل کارگری بعنوان ابزاری برای عمل مستقیم کارگری و دخالتگری کارگران در مسائل مربوط به زندگی

شلا دانشفر

راس ساعت ۸ صبح روز ۱۷ آبان بنا بر فراخوان نمایندگان منتخب کارگران هفت تپه و جهت توضیح برخی مسائل اتفاق افتاده مجتمع عمومی کارگران این شرکت در محوطه کارخانه برگزار شد. اسماعیل بخشی یکی از نمایندگان کارگران طی سخنرانی پرشور ابتدا از اتفاقاتی که در این مدت روی داده است و تماسهایی که با مقامات مختلف دولتی و مدیریت داشته اند و خلف وعده ها گزارشی داد. او در سخنانش در اعتراض به بساط بردگی و استثمار سرمایه داری حاکم از دزدیهای مقامات دست اندر کار در هفت تپه سخن گفت. او در سخنانش بر اداره جامعه زیر نظر

رسول بداعی از چه دفاع میکند؟

کاظم نیکخواه

رسول بداعی یکی از چهره های شناخته شده جنبش معلمان است. او را سالهاست بعنوان یکی از رهبران اعتراضات معلمان میشناسیم. اما رسول بداعی يك هفته پیش نوشته ای در صفحه فیس بوکی خود منتشر کرده است تحت عنوان "احزاب سیاسی باشگاه تمرین دیکتاتوری" که بنظر من بهیچ وجه با اعتراضات و فعالیت های مبارزاتی خود او خوانایی ندارد. او بدون هیچ سند و استدلال قابل دفاعی کل احزاب اپوزیسیون را مورد حمله قرار میدهد و تا آنجا پیش میرود که آنها را بدون کمترین استدلال قابل دفاعی "بذرت از جمهوری اسلامی" قلمداد میکند. بگذارید تکه ای از صحبت های رسول بداعی در يك فایل صوتی که در مدیای اجتماعی منتشر شده را اینجا بازگو کنیم تا معلوم باشد داریم از چه سخن میگوییم. رسول بداعی در توضیح مطلبی که نوشته از جمله چنین میگوید "مثلا آقای ایکس که نمیخواهم اسم برم دبیر کل يك حزب هست. خب بودجه اش مال اونه. مجوزش مال اونه. عرض شود خدمت شما افراش را هم خودش انتخاب کرده حالا عده ای دورویرش



انتظار و تصویر دیگری داشتیم.

احزاب خارج کشوری

رسول بداعی میگوید هیچ امید بی "اپوزیسیون خارج کشور" نیست و همه آنها باشگاه تمرین دیکتاتوری هستند. سوالی که برای هرکسی از این حرف مطرح میشود اینست که رسول بداعی که يك جا همه احزاب خارج کشور را محکوم میکند و آنها را بدتر از جمهوری اسلامی معرفی میکند آیا منظورش اینست که باید به احزاب "داخل کشوری" امید بست و آیا او از این نوع احزاب دفاع میکند؟ محض اطلاع رسول بداعی همه احزاب خارج کشور، در داخل کشور بدرجات مختلفی حضور و نیرو دارند. بنابراین خیلی هم خارج کشوری نیستند. برای نمونه حزب کمونیست کارگری در داخل ایران بیشتر از خارج ایران عضو دارد. سیاستها و شعارهایش در مبارزات بخشهای مختلف مردم و از جمله معلمان شنیده میشود و بازتاب می یابد. و صدایش هم با تلویزیون و رسانه های مختلفش در داخل ایران شنیده میشود. بنابراین خیلی خارج کشوری هم نیست. اما رسول بداعی وقتی میگوید "احزاب خارج کشوری" منظورش احزابی است که در ایران ممنوعه هستند و رهبری

خیلی خطرناک تر از جمهوری اسلامی بنظر من هست. باید مردم خیلی مواظب باشن" رسول بداعی نه در نوشته اش و نه در این بحث شفاهی يك کلمه فاکت نمی آورد اما مثل کسی است که تصمیمش را گرفته است که زیرآب احزاب سیاسی را هر جور شده بزند و این بسیار تاسف انگیز است. درست در شرایطی که مردم ایران بیش از هر زمان به حزب و تحزب مثل نان شب نیاز دارند این نوع فله ای و غیر مسئولانه تمام احزاب اپوزیسیون را مورد حمله قرار دادن تنها نتیجه و خاصیتی که دارد تظهير جمهوری کثیف اسلامی است. و رسول بداعی مسلما بدون اینکه بخواهد صراحتا دارد همین کار را میکند. من همینجا با اطمینان کامل اعلام میکنم و نشان میدهم که کل ادعاهای رسول بداعی يك ذره با حقیقت خوانایی ندارد. این را نه فقط در دفاع از حزبی که خود عضو آن هستم یعنی حزب کمونیست کارگری میگویم بلکه تردیدی ندارم و این را نشان میدهم که در مورد هیچ حزب و جریان سیاسی چپی این ادعاها حقیقت ندارد و کلابی پایه و بدور از حقیقت است. از رسول بداعی بطور واقعی

بازتاب هفته (زیر نظر کاظم نیکخواه)

تاریکخانه ارواح و صدای پای انقلاب

کیوان جاوید

است.

وزیر کشور جمهوری اسلامی همه علامت يك انقلاب را به شما نشان میدهد. اما با يك توهم و با يك اشتباه اساسی دیگر. اشتباه همه کارگزاران حکومت این است که فکر می کنند شاید بتوانند با معجزه ای این غول بیدار شده انقلاب را در قفس کنند. می گویند باید رضایت مندی مردم را جلب کنیم. مردم می گویند چگونه؟ با يك حکومت سراپا فاسد - دزد و غارتگر و جنایتکار، با يك حکومت يك درصدي های مولتی میلیاردر؟، با يك حکومت ضد زن و ضد شادی و ضد خوشبختی مردم؟

کل هشدارهای جناب وزیر يك هدف دارد. رو به خودی ها در دو سوی نظام و رو به طیف ملی اسلامی ها و خطاب به همه آنهايي است که از «راه زمین خاوری، دریا خاوری و جنگل خاوری» و از راه استثمار فوق تصور طبقه کارگر ایران پول پارو می کنند. هشدار می دهد با هم باشیم تا شاید بتوانیم سدی باشیم در برابر انقلابی که سر بر آورده است.

به ایشان باید گفت دیر شده است! «نظام طبیعت با کسی تعارف ندارد» دیگر خدا هم نمی تواند به داد شما برسد. انقلاب فرمان سرنگونی صادر کرده است و این تاریکخانه تباهی از بنیان بر افکنده خواهد شد.

شاهزاده بی تاج و تخت!

حسن صالحی

برای هر شاهزاده ای هیچ چیز غم انگیزتر از آن نیست که بدون تاج و تخت باقی بماند حتی اگر او خودش را به کوچه علی چپ بزند و خلافتش را بر زبان بیاورد. چند وقت پیش که رضا پهلوی پسر شاه سابق ایران در برنامه «میدان» تلویزیون ایران اینترنشنال مورد مصاحبه قرار گرفت ما به این پی بردیم که علیرغم تبلیغات سنگین برخی رسانه های فارسی زبان به نفع او، شاهزاده چقدر برای آلترناتیو شدن مشکل دارد.

ایشان که از کودکی برای «مملکت داری» پرورش داده شده است صادقانه گفت در پرتو دولت سرمایه داری و در راس آن آمریکا را که زده است و در هر دالان سیاستمدار سرمایه دار که قدم گذاشته همگی از نبود آلترناتیو و بنوعی از عدم کارایی آلترناتیو دست راستی ایشان حرف زده اند. رضا پهلوی به ما اعلام کرد که آنها نیرو دارند ولی اراده و یا شاید هم اراده واحد ندارند. از آن رو ایشان فعلا عطای مملکت داری را به لقای بخشیده است و مشغول «اراده سازی» است. لابد زمانی که «اراده» ایجاد شد ایشان هم با «فروتنی» تمام که شایسته يك شاهزاده قرن حاضر است به تاج و تخت موروثی خود خواهد رسید!!

آسیه نورین از حکم اعدام تا آزادی



کاظم نیکخواه

یافته بسیار جای خوشحال است. متأسفانه هنوز مذهب و ارتجاع و عقب ماندگی در گوشه و کنار دنیا هرروز دارد از انسانهای پیشرو قربانی میگیرد. سه سال پیش بود که فرخنده زن جوان افغانستانی توسط مرتجعین کف بر دهان آورده در کابل در جلوی چشم مردم در آتش افکنده شد و به نحو فجیعی به قتل رسید. هرچه ارتجاع اسلامی بیشتر حاشیه ای میشود و مردم در کشورهای مختلف از آن بیشتر رویگردان میشوند، مرتجعین اسلامی بیشتر و بیشتر رگ گردنهایشان بیرون میزند و به قتل و جنایت و آدمکشی روی می آورند. همین روزها علم الهدی آخوند منفور شناخته شده مشهد از قرآن نقل قول آورده است که کشتن و قتل مشرکین در هشت ماه سال حلال و ثواب است.

تردیدی نیست که اسلام این جنبش ضد انسانی دوره اش تمام شده است. این جنبش با هیچ جنبه از زندگی و تفکر و پیشرفت بشری خوانانی ندارد. ستون اسلامی در ایران به ریشه مرگ افتاده و با به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، کل جنبش اسلامی در همه جای دنیا به سرازیر نابودی خواهد افتاد. اما تا آن زمان چه تعداد قربانی بیشتر خواهد گرفت و جدال گرایشات انسانی و ارتجاعی با چه سرعتی پیش خواهد رفت، بستگی به عوامل بسیاری دارد. آزادی آسیه نورین در پاکستان يك نمونه کوچک از پیروزیهای بزرگتری است که در راه است. *

پاکستان هم مثل خیلی از کشورهای دیگر محل کشاکش گرایشات راست و چپ، اسلامی و سکولار و انسانی و ضد انسانی است. يك خبر شغف انگیز اینست که دیروز در نتیجه کشاکش میان این گرایشات بالاخره يك زن زیر اعدام آزاد شد. يك زن پاکستانی بنام آسیه بی بی که برای هشت سال به حکم سیستم قضائی پاکستان منتظر اجرای حکم اعدام بود با فشار جریانات سکولار و انساندوست و اعتراضاتی که به حکم اعدامش در گوشه کنار جهان صورت گرفت، اخیرا از اتهام کفرگویی تبرئه شده و از زندان آزاد شده است. آزادی آسیه موجی از شادی را در میان مردم شریف دامن زد. بعضی گزارش ها حاکیست که آسیه بی بی سوار هواپیما شده است. اما مقصد این پرواز معلوم نیست. حکم دیوان عالی پاکستان برای تبرئه او اعتراضات اسلام گرایان را دامن زد و دولت این بار زیر فشار اسلامیها گفت اجازه خروج او از کشور را نخواهد داد. شوهر این زن گفت که جان آنها در خطر است و خواستار پناهندگی از کشورهای غربی شد. سیف ملوک وکیل آسیه بی بی که پنج فرزند دارد گفت که او در شهر مولتان از زندان آزاد شد. او که به آسیه نورین معروف است در سال ۲۰۱۰ به جرم توهین به پیامبر اسلام در جریان نزاعی با همسایه ها به اعدام محکوم شد چند کشور به او پیشنهاد پناهندگی داده اند. اینکه آسیه از اعدام نجات

زنده باد سوسیالیسم

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

مرحله دوم تحریم های اقتصادی و کارگران

اقتصاد جمهوری اسلامی تماما فروپاشیده است. قیمت ها سرسام آور و هر روزه افزایش می یابد و گرانی بیداد میکند. این وضعیت باعث پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خرید مردم شده و جامعه را به نقطه خشم و نفرت عظیمی نسبت به حاکمین کشانده است. مرحله دوم تحریمها که در روز چهاردهم آبان ماه آغاز شد و در برگیرنده مراکز کلیدی و حیاتی اقتصادی از قبیل صنعت نفت، انرژی، هواپیمایی، بانکها و موسسات مالی، کشتی رانی، بیمه و دیگر بخش هاست، نتیجه اش فروپاشی بیشتر اقتصاد جمهوری اسلامی خواهد بود. و در این میان این زندگی و معیشت مردم است که زیر خطر جلی قرار میگیرد.

روشن است که بن بست و بحران اقتصادی، سیاسی - اجتماعی حکومت اسلامی که هر روز نیز شدیدتر میشود، ریشه در ساختارهای بنیادی اش دارد. جمهوری اسلامی در تمام طول حاکمیتش تلاش کرده بار این بحران را به گروه مردم بیندازد. از همین رو دفاع از زندگی و معیشت همواره يك عرصه دائم نبرد کارگران و مردم علیه سرمایه داری وحشی حاکم بوده است. به عبارت روشنتر بحران اقتصادی رژیم اسلامی با هیچ مرحله ای از تحریم ها آغاز نشده است. بلکه جمهوری اسلامی با بحران زاده شده و مردم فشار آن را در زندگی هر روزه خود تجربه کرده اند. از همین رو دفاع از زندگی و معیشت همواره يك عرصه دائم نبرد کارگران و مردم علیه سرمایه داری وحشی حاکم بوده است.

اما تشدید تحریم ها بطور واقعی تیر خلاص بر اقتصاد نیمه جان این حکومت است و اوضاع زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه را از وضعیت فلاکتبار امروز نیز وخیم تر خواهد کرد. از جمله با نایاب شدن بسیاری از کالاهای مورد نیاز مردم، بازار احتکار و دزدی داغتر خواهد شد. این

وضعیت همچنین بهانه ای خواهد شد برای بالاکشیدن بیشتر دستمزد کارگران و به تعطیلی کشیده شدن کارخانجاتی بیشتر که نتیجه آن بیکارسازیهای گسترده تری خواهد بود.

در چنین شرایطی جمهوری اسلامی تلاش میکند به بهانه تحریمها تعرضات ضد کارگری و ضد مردمی اش را شدت دهد. اما برای مردم روشن است که دو طرف این مناقشه هر کدام اهداف و منافع خود را دنبال میکنند. امریکا با تشدید تحریمها، تلاش به رام کردن جمهوری اسلامی در منطقه را دارد و جمهوری اسلامی نیز يك عمر در ضدیت با امریکا و غرب کوشیده است، نیروهای تروریست در منطقه را پشت خود به خط کند و هر صدای اعتراضی از سوی مردم را با چماق "دشمن بزرگ امریکا" سرکوب کند. اما کارگران و مردم معترض جامعه نیز با شعارهایی چون دشمن ما همین جاست، دست در دست آمریکا است، دشمن ما همین جاست، همش میگن امریکاست، سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن، پیام روشن خود را به طرفین این ماجرا داده و در برابر شرایط جهانی جمهوری اسلامی ایستاده اند.

پاسخ کارگران و کل جامعه در برابر این شرایط گسترش اعتراضاتشان علیه این بساط فقر و فلاکت و برای داشتن يك زندگی انسانی است. پاسخ این شرایط جلو آمدن کارگران و کل جامعه با خواستههای سراسری است. برای تدارک اعتصابات سراسری و عمومی در سطح جامعه باید شوراها سراسری اعتراضات را سازمان داد. باید شوراها مستقل کارگری را در تمام مراکز کارگری ایجاد کرد.

واقعیت اینست که امروز جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی دیگر هر روز سازمانیافته تر و متعرض تر دارند به میدان می آیند. يك نشانه بارز آن شکل گرفتن زنجیره ای از اعتصابات سراسری در جنبش کارگری و در سطح جامعه است. يك نمونه جاری این اعتصابات، اعتصاب سراسری رانندگان کامیون

و کامیونداران است که در دهم آبانماه با خواست آزادی فوری ۲۶۲ راننده اعتصابی آغاز شد و با توجه به اینکه در دور قبل دامنه اعتصاب آنان به ۳۲۰ شهر رسید، انعکاس اجتماعی و جهانی بسیاری پیدا کرده است. قبل از آن اعتصاب قدرتمند و سراسری معلمان در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر ماه بود و همانطور که اولتیماتوم داده بودند در تدارک دو روز اعتصاب و تحصن دیگر برای روزهای ۲۲ و ۲۳ آبانماه هستند. ضمن اینکه در همین مدت بازنشستگان تجمعات سراسری خود را بر پا کردند و معلمان بازنشسته نیز برای بیستم آبانماه فراخوان به تجمع دیگری داده اند. بدین ترتیب جامعه بسرعت بسوی اعتصاب و اعتراضات سراسری حرکت میکند. و در حالی که جمهوری اسلامی تلاش میکند با تشدید سرکوبها، وقفه ای در سیر رو به جلوی این اعتراضات ایجاد کند، مردم با فشرده کردن صف مبارزانشان مقابل آن ایستاده اند. به میدان آمدن دوباره دختر انقلاب در همین هفته و برافراشتن پرچم نه به آبرتاید جنسی نشانی از این اوضاع و احوال است. این اتفاقات همگی حاکی از نقطه عطف جدیدی در جنبش سرنگونی مردم است. جنبشی که مردم در خیزش دیمه بار دیگر جرقه اش را زدند و امروز دارد در اعماق جامعه سازمان می یابد و به جلو میرود. و این روندی است که انقلابی انسانی را در چشم انداز جامعه قرار میدهد. انقلاب مردم و جمع کردن کل بساط جهانی جمهوری اسلامی پاسخ این اوضاع است.

خط فقر ۶ میلیونی و خواسته کارگران

این روزها در میان حکومتیان نشست های بسیاری بر سر وخامت اوضاع اقتصادی برپا میشود و وحشت همه شان از در راه بودن "شورش" گرسنگان است. يك موضوع داغ در این مباحث، رایزنی بر سر میزان رقم خط فقر در جامعه است. در این رایزنی ها امارهای ضد و تقیضی بیرون داده میشود که خود نیز انعکاسی از نزاعهای درون

حکومت است. چرا که بطور واقعی مساله اقتصاد امروز در ایران بیش از هر زمان به مرکز سیاست جامعه کشیده شده است. برای مثال خضری عضو کمیسیون اجتماعی مجلس طی سخنانی در دوازدهم آبانماه از اینکه بیش از ۲۰ میلیون نفر در کشور زیر ۳ میلیون تومان در ماه حقوق میگیرند و خط فقر ۵ تا ۶ میلیون تومان است سخن گفت. این کارشناسان حکومتی در مسائل اقتصادی از افزایش شدید هزینه های زندگی طی ماهها گذشته و افزایش ۵۰ درصدی قیمت برخی کالاها خبر میدهند. و جالب اینجاست که میدری معاون وزیر کار در تابستان گذشته بطور وقیحانه ای خط فقر را ۷۰۰ هزار تومان اعلام کرده بود که این خود به موضوع بحثی داغ در درون حکومت تبدیل شد. علی خدایی از اعضای شوراهاى اسلامی کار، این تشکلهای دست ساز حکومتی نیز از



اینکه درآمد ماهانه هشتاد درصد کارگران ایران کمتر از يك میلیون و ۴۰۰ هزار تومان و ۹۰ درصد کمتر از سه میلیون تومان است خبر داده است. بدین ترتیب يك مشت دزد شکم سیر به عنوان متخصص و نماینده مجلس و معاون وزیر کار و غیره نشسته اند و مرتبا با بازی کردن با ارقام تحت عناوینی چون تعیین نرخ خط فقر، نرخ خط فقر نسبی، نرخ خط فقر مطلق، نرخ تورم و هزار جور از این مزخرفات با زندگی جمعیت میلیونی کارگران و کل جامعه دارند بازی میکنند. اما در برابر این توحش و بردگی جامعه ایستاده است و يك محور مهم مبارزات مردم اعتراض به زندگی زیر خط فقر است و نه تنها این بلکه

اعتراض آن علیه حقوقهای نجومی و بساط دزد سالار حاکم است. از جمله امروز حرف کارگر، معلم، بازنشسته و بخش عظیمی از حقوق بگیران جامعه اینست که اگر خط فقر ۶ میلیون است، حقوق ما نیز باید به همان سطح افزایش یابد و این بطور واقعی اعتراضی به زندگی زیر خط فقر و کل این بساط بردگی است.

يك نمونه اخیر اعتراض بر سر این موضوع اعتصاب سراسری معلمان در دو روز ۲۲ و ۲۳ مهر ماه با خواست افزایش فوری حقوقها به بالای خط فقر ۶ میلیون تومان است. بعلاوه اینکه در این اعتراضات خواستههای سراسری دیگری چون درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای تمام کودکان و تسهیلات لازم برای تامین مسکن هر روز جلو تر آمده و ابعاد اجتماعی تری بخود میگیرد. از جمله معلمان در دو روز اعتصاب سراسری اخیر خود خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان را به خواستی در راس مطالبات کل جامعه تبدیل کردند. و در جریان همین اعتراضات ما شاهد این هستیم که اعتراض کارگر،



اعتراض معلم، اعتراض بازنشسته و اعتراض مردم معترض جامعه، نه فقط به زندگی زیر خط فقر، بلکه اعتراضشان به حقوقهای نجومی و به تبعیض و نابرابری است. اعتراضشان به کل بساط دزدسالار سرمایه داری حاکم است. با چنین گفتمانهایی است که جنبش اعتراضی در جامعه گامی مهم به جلو برمیدارد و بطور واقعی يك خیزش عمومی برای به زیر کشیدن حکومت را در چشم انداز نزدیکی قرار داده است.

در برابر چنین وضعی است که حکومتیان چنین به وحشت افتاده اند. از جمله خامنه ای با سران سه

سیر تحولات جنبش زنان و انقلاب زنانه در ایران در چهار دهه گذشته

بخش دوم متن پیاده شده برنامه خیابان، میزگرد با شیرین شمس، مینا احدی، شهلا دانشفر و مصطفی صابر

تهیه و تنظیم: کیان آذر، شیرین شمس



سوال پنجم: سیاسی نبودن و فعالیت انفرادی و عدم الزام وجود رهبری متعین در جنبش زنان از نمونه تبلیغات و استدلالات برخی جریان‌ها و فعالین در این جنبش است اما برعکس انقلاب زنانه روی فعالیت متشکل و سازمانیافته و جمعی، و سیاسی بودن این مبارزه و تلاش و همینطور اهمیت وجود رهبری مشخص در این جنبش اصرار داشته و دارد. چرا این استراتژی در رویکرد انقلاب زنانه وجود دارد؟

شیرین شمس: طیفی که تبلیغ میکند مساله زن و جنبش زنان در ایران يك مساله سیاسی نیست از يك جنبش فکری نظری تغذیه میکند که خواهان حفظ نظم موجود است. این جنبش فکری نظری که خود در حال نقش آفرینی در عرصه سیاسی است نمیخواهد جنبشی که در ایران يك انقلاب زنانه را به راه انداخته است و تمام ارزشهای اسلامی را به چالش کشیده و از آن رد شده، رادیکالیزه تر شود، حتی سعی میکند از رادیکالیسم آن به نوعی بکاهد. من معتقدم جنبشی که امروز ما از آن به عنوان جنبش نوین رهایی زن نام میبریم جنبشی کاملاً سیاسی است و از همان سال ۵۷ به جنبش ضد دین و ضد ارکانی که جمهوری اسلامی بر آن بنا شده و به جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی بشدت گره خورده است.

این طیفی که از آن صحبت میشود مدام تبلیغ "کار فرهنگی" میکنند و با راهکارهای "هر کسی باید از خود شروع کند" و "فرد به فرد" باید کار فرهنگی کنیم در رسانه‌ها مختلف در سطح کلان مشغول پروگانداری این راهکارند، چهره‌هایی از این طیف حتی خود صاحب رسانه هستند. اینجا باید از این افراد پرسید در مقابل حکومتی همچون جمهوری اسلامی که همه ابراز و مکانیزم‌های فرهنگسازی در جامعه در

سطح کلان را در دست دارد، آموزش و پرورش را در دست دارد، رسانه‌های تصویری و صوتی و جراید را در دست دارد، خیابانها و بیلبردهای و مراکز فرهنگی آن را به تولید و بازتولید فرهنگ و ارزشهای مذهبی، زینه سالارانه، سنت زده، ارتجاعی و ضدانسانی اختصاص داده، دستگاههای سرکوب سازماندهی کرده، چطور "من" نوعی می‌توانم به عنوان يك فرد با درست کردن فرهنگ خودم، يك جامعه را تغییر دهم؟! اینجا یادی میکنم از منصور حکمت که گفت فرض را بر این بگیریم که من خود را دست کردم و بعد مردم، نفر بعد دوباره باید از ابتدا شروع کند؟! بنابراین قطعاً ما نمی‌توانیم در مقابل حکومتی که خودش را با ارکان مذهبی جهت سرکوب جامعه سازماندهی کرده، با کار فرهنگی فرد به فرد پیروز شویم.

بنابراین لازم است که این جنبشی انقلابی که نوید رهایی زنان و جامعه میدهد، آزادیخواه، مدافع سر سخت آزادی بی و قید و شرط زن و مرد، سکولار و نه تنها سکولار بلکه ضد دین هست، این جنبش که می‌داند انقلاب بدست مردم و سرنگونی جمهوری اسلامی اولین گام رهایی زنان در ایران است و می‌تواند تاثیر قدرتمندانه و بسزایی در پیشبرد روند سرنگونی جمهوری اسلامی داشته باشد را تقویت کرد.

اما تاکید دیگر من روی رهبری این جنبش هست. يك مثالی از خودت میاورم که همیشه اشاره میکنی يك تیم فوتبال هم نمی‌تواند بدون رهبری فعالیت کند. انقلاب زنانه معتقد است نقش رهبری بسیار مهم است؛ در افق دادن، جهت دادن، برنامه دادن و سازماندهی کردن و اینکه از کدام مسیر باید برویم. جنبش نوین رهایی زن به عنوان يك جنبش وسیع، پویا، بالنده که

شامل میلیونها زن هست که نه تنها خواهان رهایی خود و بلکه خواهان رهایی جامعه است نمی‌تواند بدون رهبری به هدف خود برسد.

بهمین دلیل انقلاب زنانه روی فعالیت متشکل، متحزب، و سیاسی بودن این مبارزه، و همینطور اهمیت وجود رهبری مشخص در این جنبش اصرار داشته و دارد.

سوال ششم: آیا این مسئله را که جنبش زنان هنوز تحت هژمونی جنبش اصلاح طلبی بوده و هست را قبول دارید؟ در مورد این استدلال که اصلاح طلبان میگویند در دهه گذشته بیشترین دخالتگری و سازماندهی اجتماعی را در شهرها و فضای جامعه ایران انجام داده اند را چقدر واقعی میدانید؟

مینا احدی: اصلاح طلبی بیشترین هژمونی را نداشته، بیشترین امکانات را داشته اگر از من بپرسید،. بطور واقعی زنان آمدند و بر علیه همه قوانین و بسیاری از سنتها مبارزه کردند و اتفاقاً این مبارزات بر خلاف نظر و تئوری و سنتهای جنبش اصلاحات بود. اتفاقی که در ایران افتاده اینست که تابوشکنی شد بخاطر چی؟ بخاطر اینکه اسلام در حکومت بود، وقتی اسلام در قدرت است باید همه چیز بر اساس قوانین اسلامی باشد. از خصوصی ترین مسائل تا عمومی

ترین آنها از سکس تا کار در خانه و بیرون از خانه تا روابط اجتماعی و مدنی و اقتصادی و غیره. اگر بخواهیم واقعیت آن جامعه را ببینیم نباید به تبلیغات و بزرگنمایی های اصلاح طلبان توجه کنیم، نه اینطور نبود که خاتمی لبخند زد و عباي قهوه ای پوشید و موقعیت زنان کمی بهتر شد، نه. آن جامعه حرکت کرد، زیر بنای آن جامعه بحرکت در آمد و جوشید و تکان خورد، و زد زیر بسیاری از سنتها و قوانین و زیر پا گذاشتن حجاب و یا سنتهای دیگر در ابعادی میلیونی اتفاق افتاد و سیستم سرکوب حکومت عملاً فلج شد. چهره های شاخص اصلاح طلبی در دورانی میرفتند دم در خانه این آخوند و آن آخوند میگفتند اسلام را بهتر تفسیر کنید. اگر کل پدیده جنبش زنان دست اینها بود هدف اینها بزرگ کردن حکومت اسلامی بود. آن جامعه و زنان اما سر به آسمان زدند، خدا را زیر سوال بردند، اما اینها امکانات داشتند و در سطح بین المللی و یا رسانه های رسمی همواره آنها را مطرح میکردند.

جنبش اصلاح طلبانه در جنبش زنان اما يك وظیفه مهم دیگر هم داشت و آن ضدیت با مدرنیته و رادیکالیزم جنبش زنان بود. در داخل سعی میکردند، مهر نمایندگی کل جنبش را بر سینه بزنند و در عین حال بگویند آرام آرام میتوان همه چیز را عوض

کرد و سنگ بزرگ علامت نزدن است.

البته زیر آن سقفی که داشت این بحثها پیش میرفت، جدل نظری بود، جدل فکری و سیاسی و عملی بود. اتفاقات واقعی در آن جامعه داشت اتفاق افتاد. میدانم وقت ندارم اجازه دهید فقط به يك نمونه اشاره کنم.

همه میدانند الان در ایران از سال ۲۰۱۰ هیچ زنی سنگسار نشده است و حکومت اسلامی عملاً مجبور شد سنگسار را کنار بگذارد. این جنبش الان هم شرم نمیکند بگویند با کمپین نه به سنگسار، یعنی کار اینها در داخل کشور، حکومت مجبور شد سنگسار را کنار بگذارد. ولی حتی يك ژورنالیست بیطرف و یا يك نظاره گر خارجی هم میتواند بطور واقعی بگوید چطور سنگسار در ایران ممنوع شد. کمپین های متعدد در ایران و در دنیا و بویژه کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی که به يك خبر سیاسی مهم در دنیا تبدیل شد، توانست کاری بکند که سنگسار در ایران ممنوع شود. زنی که در خطر سنگسار شدن بود و زنان در ایران مبارزه میکردند و جریانی که در دنیا نفوذ کلام داشت و نیرو و تشکیلات داشت، جریانی که اسلام را نقد میکرد و رادیکال وتند حرف میزد و میگفت جمهوری اسلامی باید برود، وقتی

سیر تحولات جنبش زنان ...

از صفحه ۶

این جریان خطاب به دنیا حرف زد و کمپین سازمان داد، از هنرپیشه هالیوود تا روسای جمهور بسیاری از کشورها تا پاپ و هنرمندان و وکلای بین المللی و تا میلیونها نفر در دنیا گفتند نه به سنگسار و سنگسار ممنوع شد. این ما بودیم و باعث شدیم سنگسار در ایران ممنوع بشود. اما هنوز شاخص های این جریان زبانشان میسوزد بگویند چگونه حکومت اسلامی در مقابل این جنبش زانو زد. اینرا بعنوان نمونه مطرح کردم. در این مورد باید بیشتر حرف زد جنبش اصلاحات بیشتر سعی میکرد در مقابل جنبش رادیکال و قوی زنان بایستد.

سوال هفتم: تغییرات فعالیتی و سازمانیابی جنبش زنان در دو سال اخیر و تغییراتی که نسبت به دوره قبل در آن رخ داده را چگونه ارزیابی میکنید؟

شهلا دانشفر: در این دوره جنبش زنان کیفیت جدیدی پیدا کرده است. همانطور که جنبش سرنگونی در کل جامع کیفیت جدیدی پیدا کرده است. تغییر کیفی جنبش رهایی زن را مشخصا در پدیده دختران انقلاب و بر سر چوب کردن حجاب ها می بینیم که رژیم آپارتاید جنسی را علنی به چالش کشید و کیفیت جدیدی به خیزش دیمه مردم علیه جمهوری اسلامی و کل بساط ضد زن این حکومت داد. بویژه جنبش رهایی زن، جنبشی است که مستقیما جمهوری اسلامی را به چالش میکشد. تماما سیاسی است و در نبرد با تمامی پایه های این حکومت است. به همین دلیل است که پدیده دختران انقلاب در مقطع خیزش دیمه چنین جایگاهی را پیدا کرد و پیام اعتراض کل جامعه علیه حکومت آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی بود.

تغییر کیفی جنبش رهایی زن در چند سال اخیر را شما در اشکال سازمانیابی، در اشکال مبارزاتی، در گفتمانها و در همه وجوه مختلف آن می بینید. این

تغییر کیفی نتیجه ۴ دهه مبارزه جانانه در عرصه های مختلف و جنگ فرد به فرد، گسترده، وسیع، خیابانی در تمام وجوه علیه بساط آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی است. نتیجه اینکه امروز می بینیم جنبش رهایی زن سازمان یافته تر، قدرتمند تر، منسجم تر و با گفتمان های رادیکال و چپ قد علم کرده و وزن سنگینی در تحولات سیاسی جامعه پیدا کرده است. میخواهم بگویم که جنبش رهایی در واقع سنگرهایی را فتح کرده است تا به نقطه امروز رسیده است. مهمترین نفی عملی حجاب در جامعه است. به این معنی که عملا از حجاب چیزی نمانده است و آخرین تیر خلاص را هم دختران انقلاب به آن زدند. همچنین در این چند ساله جنبش رهایی زن با کارزارهای مبارزاتی اش علیه وجوه مختلف آپارتاید جنسی از جمله در عرصه های ورزش، هنر، آموزش، حق آواز خوانی و عرصه های اجتماعی بسیاری دیگر سازمان یافته وارد نبرد شده است. نمونه اخیر چنین کارزارهایی مائده هژبری است که به خاطر رقصیدن سر از زندان در آورد و در دفاع از او کارزاری قدرتمند به راه افتاد و گفتمان ها بر سر رهایی زن را فرسنگها به جلو برد. این جنبش نوینی است که تابو ها را می شکند و جلو می رود. بدین ترتیب این جنبش نه تنها علیه قوانین ارتجاعی اسلامی مبارزه میکند، بلکه در اعتراضش دارد از آینده و از جامعه ای انسانی با خواسته های انسانی سخن میگوید. و این صدای آزادیخواهی و چپ است که در راس این جنبش چنین رسا شده است. به عبارت روشنتر این یک نمونه بارز از رشد چپ در راس جنبش های جاری در سطح جامعه است. اینها همه یک پیروزی مهم برای جنبش رهایی زن است که از امثال شیرین عبادی ها و جنبش "فمنیسیم اسلامی" و غیره عبور کرده و به اینجا رسیده است. وجه مهم دیگری از تغییرات در

جنبش رهایی زن در سالهای اخیر در عرصه سازمانیابی است. این را در هجوم وسیع این جنبش به مدیای اجتماعی و در گروههای مبارزاتی آن در تلگرام و اینستاگرام می بیند. گروههایی که در آن جنبش نوین رهایی زن گفتمان هایش را جاری میکنند، خود را تکثیر میکنند و نیرو میگیرند و سازمان می یابند. بدین ترتیب مدیای اجتماعی به ابزار مهمی برای سازمانیابی این جنبش تبدیل شده است. نماد بارز این اتفاق را در جلوتر آمدن نهاد انقلاب زنانه می بینیم که یکسر آن در اروپاست و سر دیگرش در ایران که به دختران انقلاب وصل میشود. از جمله کنفرانسی که از سوی این نهاد در ماه مه در استکهلم در سوئد بر پا شد، انعکاس این واقعیت شورانگیز بود. بروز دیگرش در سر بلند کردن نهادهایی چون ندای زنان ایران دیده میشود. در کارزارهای مبارزاتی جنبش رهایی زن می بینید که باز در همین گروههای مبارزاتی مدیای اجتماعی شکل گرفته و سازمان می یابد. همه اینها الگوهایی برای سازمانیابی قدرتمند جنبش رهایی زن را بدست داده است که نوین است. به نظر من مجموعه این تغییرات کیفی جنبش رهایی زن را امروز در موقعیت بسیار تعیین کننده و قدرتمندی قرار داده است. این ها همه نمونه های بارز حرکت قدرتمند جنبش رهایی زن و تغییرات کیفی آن در این سالهاست.

سوال هشتم: اگر بخواهید به مهمترین نقاط قوت و ضعف پراتیکی و نظری جنبش زنان اشاره کنید به کدام محورها میتوانید اشاره کنید؟
مصطفی صابر: اگر بخواهم روی نقطه قوت جنبش زنان در ایران دست بگذارم ابتدا باید بر وسیع بودن، خستگی ناپذیر بودن، رادیکال بودن، انقلابی بودن، و پیگیر بودن جنبش رهایی زن تاکید کنم. این جنبشی است که در سخت ترین و بدترین شرایط و از همان روز اول جلوی جمهوری اسلامی ایستاد و دائم وسیعتر و



اسفند ۵۷ که "آزادی باید و نباید ندارد" بعدا تبدیل شد به "آزادی بی قید شرط بیان و عقیده" در برنامه اتحاد مبارزان کمونیست و بعدا حزب کمونیست ایران و حالا حزب کمونیست کارگری. این رادیکالیسم و برابری طلبی جنبش رهایی زن در واقعیت و عمل آنرا به کمونیسم نزدیک میکند. جواب های خواسته های رادیکال و برابری طلبانه ای که دارد عملا و بطور کامل در یک جمهوری سوسیالیستی و حکومت انسانی مورد نظر ما قابل تحقق است.

اما در رابطه با نقطه ضعف این جنبش باید کماکان بر مساله سازماندهی و تشکل و فقدان آن دست گذاشت. البته يك مانع جدی در این رابطه جمهوری جنبش زنان نشانه های بروز میدهد که میتواند حتی علیرغم این از لحاظ سازمانی و متشکل شدن بسیار جلوتر برود. يك نکته دیگر ضرورت به میدان آمدن و به میدان آوردن رهبران شناخته شده بیشتر و بیشتر است. و بالاخره مساله اهمیت يك حزب سیاسی است و خیلی رك و راست بگویم بنظر من رهبران و فعالین جنبش رهایی زن باید در حزبی مثل حزب کمونیست کارگری متشکل شوند و جنبش زنان با اتکاء به چنین حزبی که کل مبارزه مردم ایران را تا پیروی نهایی بر جمهوری اسلامی و سرمایه داری هدایت و رهبری میکنند، بطور آگاهانه و هدفمند برای تغییر کل اوضاع تلاش کند.

وسیعتر شده است. برای مثال از جمله به آخرین موارد دقت کنید: در تظاهرات های ۸۸ شما نقش بسیار برجسته زنان رو میدیدید. بطوری که جمهوری اسلامی مجبور بود بطور ویژه زنان را هدف قرار دهد و به آنها حمله کند که کل حرکت را بخواباند. نقش زنان در اعتراضات دی ماه و وقایع بعد از آن را هم که مهمانان دیگر برنامه گفتند و من دیگر تکرار نمی کنم. بهر حال وسعت، گستردگی، رادیکالیسم، انقلابیگری و خستگی ناپذیری مشخصه این جنبش بوده و همچنان دارد با همین مشخصات جلو میرود و اوضاع اجتماعی را تحت تاثیر خودش قرار میدهد. برای مثال درست است که دختران خیابان انقلاب در متن اعتراضات دی ماه به میدان آمدند اما با کار خودشان يك امتدادی دادند به همان حرکت های دی ماه و مبارزه را تیز کردند سر مساله حجاب که شیشه عمر دیو اسلامی است. اینها نقطه قوت های پراتیکی و عملی این جنبش است. از لحاظ نظری هم بنظر من نقطه قوت جنبش در همین قاطعیت و تیزی و انقلابیگری در برخورد به جمهوری اسلامی و دفاع از برابری انسانها نهفته است. من شخصا فکر میکنم که گرچه حزب کمونیست کارگری اساسا محصول برآمد جنبش شورایی کارگران و عروج طبقه کارگر در انقلاب ۵۷ است اما در عین حال محصول جنبش رهایی زن و رادیکالیسم آن هم هست. برای مثال شعار تظاهرات زنان در

رسول بداعی از چه دفاع می کند؟

از صفحه ۳

اسلامی برداشت. و این بسیار تاسف انگیز و شوکه آور است.

احزاب تحت کنترل یک یا دونفرند

ادعاهای رسول بداعی در مورد اینکه احزاب سیاسی تحت کنترل و زیر سیطره یک یا دو نفر هستند نیز بهیچ وجه پایه اساس ندارد و از نوع تبلیغات جمهوری اسلامی است که می خواهد فضا را علیه نیروهای اپوزیسیون مسموم کند. واقعا میتوانم ساعتها در مورد باز بودن و دموکراتیک بودن حزب کمونیست کارگری که خود عضو آن هستم دفاع کنم و نشان دهم که تا چه حد این ادعا بی پایه است. نمیدانم رسول بداعی در میان نیروهای اپوزیسیون به کدام جریان سر زده است که طوری از حاکمیت یک یا دو نفر بر احزاب سخن میگوید که انگار بر حاکمیت یک خان و رئیس قبیله حرف میزند. من به جریان راست و قومی قبیله ای که ممکن است با این تصویر که بداعی میدهد برجه ای نزدیک باشند اینجا کاری ندارم و بداعی هم ظاهرا منظورش آنها نیستند و گرنه مشخصا اسم میبرد. این نوع احزاب و سازمانها بطور واقعی جای محسوسی هم در اپوزیسیون ندارند. اما تمام احزاب چه تا آنجا که من میدانم سیاست و برنامه مدون دارند، کنگره و انتخابات منظم دارند، این اعضا هستند که رهبری را تعیین و انتخاب میکنند و رهبری شان باید پاسخگوی بدنه باشد. برای اطلاع رسول بداعی باید بگویم که حدود بیست سال است ما این سنت را هم به درون اپوزیسیون آورده ایم که کنگره های حزب کمونیست کارگری علنی است و هرکس که علاقه مند باشد میتواند در کنگره شرکت کند و حرفش را بزند و تمام اعضا، کمیته مرکزی را از طریق رای گیری مخفی انتخاب میکنند و سیاستها را تصویب میکنند و هر شش ماه کمیته مرکزی دبیر کمیته مرکزی و اعضای دفتر سیاسی را باز هم در یک رای گیری مخفی انتخاب میکند. آیا رسول بداعی از این پروسه بسیار آزاد و انتخابی خبر ندارد؟ آیا این را

دیگر موضوعگیری خود را مرور کند تا متوجه شود که در جای بدی ایستاده است. امروز معلم و کارگر و همه بخشهای مردم برای خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی بیش از هر زمان به حزب و برنامه مدون و سیاستهای روشن و رادیکال نیاز دارند. نفی همه احزاب ایستادن مقابل این نیاز اساسی جنبش معلمان و کارگران و مردم است. رسول بداعی بعنوان یک انسان معترض میتوانست برعکس این نوشته به امر تحزب معلمان خدمتی بکند و سخنی مشخص و مفید در مورد لزوم تشکل و تحزب و برنامه آینده و امثال اینها بگوید و نقش مثبتی در این رابطه ایفا کند. روشن است که در اپوزیسیون ایران احزاب و سازمانهای بسیاری با گرایشات و وضعیت روشن داخلی و درجه نفوذ و تاثیر گذاری متفاوتی وجود دارند و هرکس مجاز است این احزاب را نقد و حتی نفی کند. خود ما کم جریانات راست و ارتجاعی را نقد نکرده ایم. اما با فاکت و استدلال نه با پرتاب کردن انگهای شناخته شده. نفی کل احزاب بدون هیچ استدلالی و با استفاده از انگهای عقب مانده ای مثل "خارج کشوری" و امثال اینها فقط بازی کردن در میدان جمهوری اسلامی یعنی حکومتی است که احزاب و سازمانهای سیاسی را با خشونت سرکوب کرده است و رهبری شان را ناچار به ترک کشور کرده و بعد هم برای مقابله با نفوذ آنها در میان کارگران و معلمان و دانشجویان و بخشهای مختلف مردم مدام انگ "احزاب خارج کشوری" را به سوشان پرتاب میکند و امثال رسول بداعی هم بدون اینکه متوجه باشند متاسفانه به این میدان کشیده شده اند. و این جای تاسف است. همانگونه که اشاره کردم خوشبختانه حزب کمونیست کارگری در داخل ایران اعضایش بیشتر از خارج کشور حضور دارند و بازم محض اطلاع رسول بداعی یکی از دلایل این نوع تبلیغات جمهوری اسلامی همین واقعیت و حضور چپ در داخل ایران است و به همین دلیل از امثال رسول بداعی انتظار می رود که در این رابطه هوشیاری بیشتری از خود نشان دهند. *

پیگرد قضائی سه عضو کانون نویسندگان را محکوم میکنیم

رفتیم و در کمال تعجب دیدیم که دو اتهام دیگر هم به پرونده افزوده اند."

پیگرد و محاکمه سه عضو کانون نویسندگان یک تعرض گستاخانه حکومت به حقوق اساسی و پایه ای مردم در ایران است. جرم رضا خندان (مهبادی) ، کیوان باژن و بکتاش آبتین فعالیت ادبی و دفاع از آزادی عقیده و دفاع از حقوق انسانی است. اینها در نظام ضد انسانی حاکم جرم است. زیرا هر تلاش روشنفکرانه و انسانی پایه های این نظم ضد انسانی و ارتجاعی و چپاولگرانه را به لرزه در می آورد.

قوه قضائیه و دادگاههای حکومت تنها و تنها ابزار رسمیت دادن به سرکوب حقوق پایه ای انسانی در جامعه هستند. اما وضعیت کل این حکومت و فضای اعتراض گسترده در جامعه نشان میدهد که این تلاشها و بگیر و ببندها و محاکمه ها کمکی به بقا و دوام این حکومت نمیکند. این حکومت آنچه با جامعه انسانی بیگانه است که دفاع از حقوق انسانی زنان را بعنوان "تبلیغ فساد و فحشا" مورد پیگرد قرار میدهد. اما چهل سال است که چنین کرده اند و مقابله جسورانه زنان و مردان آزاده با این توحش عقب مانده که هر روز به اشکال مختلفی بروز میکند و آخرینش حجاب برگیران "دختران انقلاب" است، پوزه شان را آشکارا به خاک مالیده است.

حزب کمونیست کارگری محاکمه سه عضو کانون نویسندگان رضا خندان (مهبادی) ، کیوان باژن و بکتاش آبتین را به شدت محکوم کرده و همگان را به اعتراض وسیع به امنیتی کردن فعالیتهای اجتماعی و فکری فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ آبان ۱۳۹۷، ۶ نوامبر

۲۰۱۸

روز ۱۲ آبان سه عضو کانون نویسندگان ایران به اسامی رضا خندان (مهبادی) ، کیوان باژن دو تن از دبیران و بکتاش آبتین یکی از بازرسان این کانون برای بار دوم در شعبه شماره هفت دادسرای اوین مورد محاکمه قرار گرفتند. پیشتر در نهم مرداد ماه توسط بازپرس پرونده برای این افراد پرونده ای کفیری با اتهام "تبلیغ علیه نظام" تشکیل شده بود. اما در روز ۱۲ آبان آنها با اتهامات جدیدی چون "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی" و "تشویق بانوان کشور به فساد و فحشا" روبرو شدند.

پرونده این سه عضو کانون نویسندگان در اردیبهشت ۱۳۹۴ گشوده شده است و شاکای آن وزارت اطلاعات حکومت است. از آن زمان رضا خندان، بکتاش آبتین و کیوان باژن بارها برای بازجویی پیرامون دو اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "انتشار نشریه غیر قانونی" احضار شده اند. در محاکمه روز ۱۲ آبان رضا خندان (مهبادی) ، کیوان باژن دو تن از دبیران و بکتاش آبتین اتهامات اعلام شده را تماما رد کردند. در پایان جلسهی بازجویی ۱۲ آبان بازپرس قرار قبلی را که کفالت پنجاه میلیون تومانی برای هر یک از متهمان بود به صد میلیون تومان افزایش داد و آنها با تامین قرار کفالت، تا برگزاری دادگاه آزاد شدند.

بنا بر خبرهای منتشر شده رضا خندان در رابطه با این بازجویی چنین میگوید "در اولین جلسه بازپرسی که اوایل مرداد سال جاری برگزار شد به هر سه نفر ما، بکتاش آبتین، کیوان باژن و من، اتهام تبلیغ علیه نظام "تفهیم" شد و با تامین قرار کفالت بیرون آمدیم. در حالی که بنا به روال معمول منتظر احضاریه دادگاه بودیم چند روز پیش بار دیگر به بازپرسی احضار شدیم. امروز به شعبه هفتم بازپرسی

دنیای وارونه ها

سینا پدram

بحران تمامی ناپذیر سرمایه داری دهه اخیر، سؤال اساسی دو قرن گذشته را بار دیگر با فوریت بیشتری در مقابل نسل جدید انسانی بازگشوده است. سؤالی که برای نجات حال و آینده در برابر همگان قد علم کرده است. سؤالی بزرگ که جوابی درخور میطلبد. به این سؤال خواهیم پرداخت. اما پیش از آن مرور تاریخ معاصر ضروری می نماید.

دهه ۸۰ و ۹۰ سده گذشته عروج نیولیبرالیسم و مانتاریسم افسار گسیخته ای بود که از يك سو به تمامی دستاوردهای فی الحال موجود رفاهی و اقتصادی و سیاسی جوامع کشورهای اروپایی حمله میبرد و از سوی دیگر رویا و آینده سعادت آمیزی را وعده میداد. این دوره به نوعی باز تعریف تمامی داده های دهه های قبل تر از خود را پیش روی خود گذاشته بود.

دوره ای پر از تحركات و ترشحات فکری تئوری پردازان سرمایه داری، در مراکز پژوهشی وابسته و غیروابسته به سازمانهای اطلاعاتی که شغل شریفشان یافتن آخرین شووهای "شکنجه های قابل

قبول قانونی" بود. دوره ای که بازار آزاد وعده های از جنس وعده های خدایان به ایمان آورندگان می داد. و اندیشکده های ریز و درشت در توجیه کارآمدی اقتصادی و سیاسی سرمایه داری از "پایان تاریخ"، "نظم جهانی" و "جنگ تمدنها" نقل قول و کد می آوردند.

در غرب به اندازه شرق مدل های مختلف بازار و اقتصاد به امتحان و مسابقه گذاشته میشد.

"روای امریکایی" به رویای ششول بند معروف هالیوود رونالد ریگان تبدیل شد و به مردان خود ساخته و "کارآفرینان" وعده داده شد. خانم تاچر در راس "لیگ جنتلمن ها" وعده يك خانه برای هر بریتانیایی میداد، فقط اگر بردبار بودند و به انتظار می نشستند و صد البته اگر کمر بندها را به حدی سفت میکردند که روده هایشان به ستون فقراتشان می چسبید.

صدر اعظم های آلمان یکی پس از دیگر رمز موفقیت را با فورمول یا کار برای يك يورو در ساعت و یا بی بهرگی از تمام رفاهیات اجتماعی به جامعه میفروختند.

به مردمان روس و غیر روس جمهوریهای شوروی سابق

گلاسنوست، پروسترویکا و گورباچف با اقتصاد رنگارنگ به جای اقتصاد خاکستری دولتی و آزادی سیاسی وعده دادند، اما در عالم واقع پلتسین و پوتین و نیازوف و حیدر علی اوف تحویلشان دادند. با تمامی ارتشا و فساد و مافیایی سیاسی و اقتصادی متناظر با سیستم "توین".

"روش چینی" اسم رمز اقتصاد بازار آزاد برای کشیدن تسمه از گرده کارگران چینی با نازلترین دستمزدها بود. شکوفایی اقتصادی با نرخ رشد دو رقمی بلون وعده تغییرات سیاسی در ارکان حکومتی. شاید فروپاشی شوروی درس عبرتی بود برای زمامداران چین سرمایه داری نوین.

بر سر در هر جامعه انسانی قرار بود نوشته شود: "از این دروازه اگر بگذری، پاداشی درخور، تو را به انتظار است" (۱). دروازه ریاضت کشی. دروازه کار بی وقفه در موسسات غول آسای چند ملیتی. دروازه قروض بانکی بی پایان و حساب های خالی.

قرار بود توفیق بازار و سرمایه داری با مهارت تمام به ملکه ذهن مردم تبدیل شده و موفقیت جامعه بشری با حجم حسابها بانکی اربابان جامعه محاسبه شود. در حالی که سوسیال دموکراسی

اروایی نفس های آخر را میکشید و در رثای کنزیلیسم و سرمایه داری با "چهره انسانی" قلم فرسای میگرد. در حالی که لیبرالیسم دانشگاهی به دولتهای در خدمت بازار آزاد کارت قرمز نشان میداد و حاکمان جامعه را از عقوبات بی تناسبی بازار میهراساند، ریگان و تاچر تانگو برای دو نفر میرقصیدند.

در حالی که پارلمانها حمله به رفاه جامعه را در دستور کار دولتها قرار میدادند و در مقابل، دولتها از بودجه سالانه مدارس و بیمارستانهای عمومی میکاستند تا به نام امنیت ملی ونجات ملت موشکها و هواپیماهای جنگی مافوق مدرن تحویل میدانهای جنگ و غارت میدادند، افغانستان را به جولانگاه ضد بشرترین جنش اسلامی میبدل میساختند و به جنگ ژنرالهای خونخوار آرنانتینی در فالکلند میشتافتند تا قبح سیاستهای ریاضت کشانه شان را از نظر ها دور نگه دارند.

و در بلبشوی سیاسی واقتصادی، سینمای امریکا سریال friends (دوستان) را تولید میکرد تا رویای فراغالبی و زندگی بی دردسر و پر نشاط در قلب منتهان و مرکز لندن را در ذهن نسل جوان مهندسی کند. قرار بود با کمی همت و تلاش، با کمی توقع کم و کار

زیاد، با سامسونتی در دست و کارت اعتباری در جیب، تمامی این نسل جدید صاحب خانه و خانواده و ماشین و زندگی بی دردسری را در زیر پرچم بازار آزاد شود رامبو و راکی را تولید میکرد تا بلکه بتواند به کابوس سندروم ویتنام نقطه پایان ببخشد و خود را بار دیگر آزادی بخش "جلوه دهد. مهندسی افکار ابزار کارآمدی یافته بود.

و بالاخره برای چنین دنیای وارونه ای باید به دنیای وارونه ها نیز میدان داده میشد.

دهه هشتاد و ده های پس از آن تجلی وارونگی نبود. تلاش هوشمندانه بورژوازی برای ابدی جلوه دادن آن نیز نبود. تلاشی در تجلیل این وارونگی در سیاست، فرهنگ، اقتصاد و در تمامی شئون زندگی و حیات اجتماعی بود.

تلاش برای فرو بردن بشر در قهقرا بود و از اینرو تلاش برای باز تعریف انسان در همه جوانب آن بود از فلسفه تا تاریخ. از کلاس درس تا کارخانه. از خانواده تا محیط کار.

بررسی برآمدها و ویژگیهای دوران معاصر که میتواند نقطه عطف تحولات آینده نیز به شمار آید، از اهمیت زیادی برخوردار است، که باید به آن پرداخت. (۱) دانته. کمدی الهی

مراسم بیست و هفتمین سالگرد حزب کمونیست کارگری



برنامه شامل:

- فیلم کوتاهی از فعالیت های حزب
- سخنرانی: مینا احدی، حمید تقوایی
- موزیک زنده از گروه هنری کلروان با مسئولیت فریبرز کریمی
- و برنامه های متنوع دیگر

یوتبوری (سوئد)

شنبه - ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸

از ساعت ۷ عصر

محل: Folkets Hus Hammarkullen
با اسپورهای ۴، ۸ و ۹ بطرف Angered

غذا و نوشیدنی در محل موجود است.
ورود برای عموم آزاد است. روز و ساعت این برنامه را بخاطر بسیاری دوستانتان را نیز به این برنامه دعوت کنید.

تلفن تماس: +46 (0)737178819

حزب کمونیست کارگری ایران، تشکیلات گوتنبرگ

بیرحمانه ترین ستمها بر مردم تکیه دارد. نظام شاهی به هر زمان که تعلق داشته باشد بیانگر زورگویی و خودکامگی و نشانه بی حقوقی و بی اختیاری انسان است. این طرز تفکر مبتنی بر سروری يك ایلت سیاسی و فرودستی مردم است و به باید به موزه تاریخ سپرده شود. اگر آلترناتیو راست اراده جایگزینی جمهوری اسلامی را ندارد اما چپ کمونیسم کارگری این اراده را دارد. آلترناتیو چپ نه فقط این اراده را دارد بلکه تنها پاسخ واقعی به شرایط اسفبار کنونی و نجات مردم از فقر و ناداری و خفقان و سرکوب است.

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس: 11766
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: 27500
اف ای سی: 5/6

ازما بهترانی" در این مورد جوابگو خواهند بود. و البته در قاموس فرهنگ سرمایه داری فقط نیروهای متخصص دست پرورده نظام سرمایه داری می توانند در باره سیاست و اقتصادیات جامعه سخن بگویند چرا که حقیقتا رنگ کردن گنجشک و فروش آن به جای قناری هم تخصص زیادی لازم دارد. وگرنه روشن است که پاسخ دیکتاتوری برای مردم عادی آزادی است، پاسخ بدبختی رفاه است و پاسخ بیکاری کار و یا تامین معاش است. راه حل ها هم باید راه حل رسیدن به آزادی و رفاه و تامین زندگی مردم باشد. اما اگر کسی آرزویش این باشد که يك عده مفتخور دیگر را سر کار بیاورد و تسمه از گرده کارگر بکشد و سلطنت و اشرافیت را راه بیندازد، حتما مثل رضا پهلوی به "متخصصین" و شارلاتانهای نیاز دارد که بتواند با پررویی همینها را بعنوان "نیاز جامعه" جا بزنند.

مشکل آلترناتیو دست راستی سلطنت طلبی یکی دو تا نیست. ولی بطور قطع همانطور که رضا پهلوی هم گفت "اراده" صفوف پراکنده شان و مقبول شدن این نیرو نزد قدرتهای بزرگ سرمایه داری است. تجربه تلخ شاه و سلطنت در ایران نیز از حافظه تاریخی مردم محو نشده است. نهاد سلطنت و پادشاهی به شهادت تاریخ بر گنجینه ای از ارتجاعی ترین و خرافاتی ترین باورها و

از صفحه ۵

در مدارس

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای در هفدهم آبانماه برای روزهای ۲۲ و ۲۳ آبان به اعتصاب سراسری و تحصن در مدارس فراخوان داده است. خطاب این فراخوان علاوه به معلمان به دانش آموزان و خانواده های آنان نیز هست و این نشانگر ابعاد اجتماعی اعتراضات معلمان است که خواستهای کل جامعه را در بر میگیرد. یک موضوع محوری در فراخوان شورای هماهنگی اعتراض به طرح "معلم تمام وقت" است که طرحی است در جهت استئمار بیشتر معلمان و کاهش سطح دستمزدهایشان است. نکته قابل توجه دیگر این حرکت اعتراضی، اعتراض به امنیتی کردن مراکز آموزشی و مبارزات معلمان و دستگیری هاست. در این فراخوان علاوه بر خواستهایی قبلی معلمان بر خواستهایی فوری دیگری چون تامین و تضمین اختصاص بودجه لازم برای رفع تبعیض علیه معلمان، اجرای فاز دوم رتبه بندی، توقف طرح معلم تمام وقت و توقف روند

پرونده سازی و سرکوب معلمان و آزادی معلمان دریند تاکید شده است. از جمله در بخشی از این فراخوان چنین آمده است: "تهادهای امنیتی و حراستها نیز همچنان بر مدار گذشته خط پرونده سازی و سرکوب فعالان را ادامه می دهند، بطوری که از تهدید و ارباب پا را فراتر گذاشته و به فعالان صنفی اتهام اخلاقی و روانی می زنند". یک خواست شورای هماهنگی در این بیانیه اطلاع رسانی وسیع در مورد این تحصن در گروههای تلگرامی و در سطح جامعه است. شورای هماهنگی همه معلمان و بویژه معلمانی که در دور اعتصاب دو روزه قبلی آنان در ۲۲ و ۲۳ مهر ماه نتوانستند شرکت کنند، فراخوان به پیوستن به این اعتراض را داده است. یک هدف اعتصاب و تحصن دو روزه بیست و دوم و بیست و سوم آبانماه در خطاب به دانش آموزان و خانواده هایشان، تامین معیشت و منزلت معلمان و آموزش رایگان، کیفی و عادلانه برای همه کودکان اعلام شده است. در پایان فراخوان شورای هماهنگی اعلام شده است

که در صورت ادامه روند فعلی، به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. اعتصاب و تحصن سراسری معلمان در ۲۲ و ۲۳ مهر ماه در بیش از ۶۰ شهر در استانهای مختلف برگزار شد. یک دستاورد آن تثبیت خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان در راس خواستهای همه مردم بود. اعتصاب دوروز معلمان در مهرماه با خواستهایی چون معلم زندانی آزاد باید گردد، تحصیل رایگان حق مسلم همه کودکان است، آموزش را کالایی نکنید، به سیستم تبعیض آمیز آموزشی پایان دهید، مدارس خصوص لغو باید گردد که به صورت دست نوشته در تحصن خود در مدارس همراه داشت، یک اعتصاب مدرن، سازمانیافته، باخواستهایی رادیکال و انسانی بود که بطور واقعی خواستهای کل جامعه را نمایندگی میکرد. از این رو با موجی از همبستگی در سطح جامعه روبرو شد. از جمله خانواده های دانشجویمان، دانشجویان در چندین دانشگاه، و نهاد ها و تشکلهای مختلف کارگری به شکل های مختلف حمایت خود را از این

اعتراضات اعلام داشتند. بدین ترتیب معلمان بدنبال دو روز اعتصاب احتیاطی را شکوه خود در مهرماه اکنون به تدارک اعتصاب و تحصن سراسری در روزهای بیست و دوم و بیست و سوم آبانماه میروند. از این اعتراضات باید وسیعا حمایت کرد.

همانطور که اشاره کردم زنجیره ای از اعتصابات سراسری که در جریان است و بخش های مختلف جامعه در تدارکش هست، دارد جامعه را بسرعت بسوی اعتصابات سراسری سوق میدهد. این درحالیست که مردم هر روز بیشتر با خواستهای رادیکال و انسانی خود به جلو می آید و گرد بیانیه های خود برای آزادی و برابری و رهایی از شر جمهوری اسلامی گرد می آیند. این اوضاع بیش از هر وقت بر سازمانیابی در حزب و بر ایجاد شوراهای سراسری سازماندهی اعتراضات و شوراهای مستقل کارگری برای وارد عمل مستقیم شدن خود ما مردم تاکید میگذارد. این اوضاع را باید دریافت.

قوه جمهوری اسلامی با موضوع "حل مسائل اقتصادی" نشست میگذارد. و بحث بر سر مباحثی چون میزان خط فقر و اعتراضات مردم به موضوع بحث و جمل داغی در حکومت تبدیل میشود. در این میان کارشناسانی اقتصادی ای نظیر شتافی نیز به هذیان گویی افتاده و در کنار لیستی از معضلات چون افزایش سرقت و قتل، کاهش سطح امنیت اجتماعی، بر هم خوردن امنیت اقتصادی، افزایش آسیب های اجتماعی مثل طلاق و غیره از موج اعتراض مردم بخاطر شدت گرفتن خط فقر سخن میگویند.

اگر امیدی به بهبود اوضاع زندگی کارگران و مردم وجود داشته باشد گسترش و سراسری شدن همین جنبش عظیم انسانی و دفاع از معیشت و زندگی انسانی برای همه مردم است.

فراخوان معلمان به دو روز اعتصاب سراسری و تحصن

تجمع اعتراضی کارگران گروه ملی فولاد اهواز

یکسال اخیر بوده و دستاوردهای ارزشمندی برای این کارگران و کل جنبش کارگری داشته است.

کارگران گروه ملی فولاد اهواز نقش مهمی در جلو آوردن شعارهای رادیکال در جنبش کارگری از جمله جلو آوردن گفتمان شوراهای مستقل کارگری به عنوان یک راه مهم اعمال قدرت مستقیم کارگری داشته اند. حضور خانواده های کارگران در اعتراضات نیز مهم و قابل توجه است و این جنبه نیز نقش برجسته ای در اعتراضات این کارگران و در آزادی دستگیرشدگان در خردادماه داشته است. امروز نیز حضو خانواده های کارگران میتواند نقش مهمی در قدرتمند تر شدن حرکت کارگران گروه ملی فولاد اهواز داشته باشد. با اتکا، به این دستاوردهاست که بیش از ۴ هزار کارگر گروه ملی دوباره به میدان آمده و اعلام کرده اند که اگر طلبهایشان فوراً پرداخت نشود اعتراضاتشان را از سر خواهند گرفت.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراهای سراسری کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ آبان ۱۳۹۷، ۵ نوامبر ۲۰۱۸

چهارمین روز اعتصاب سراسری کارگران نیشکر هفت تپه

صبح روز هفدهم آبان کارگران نیشکر هفت تپه برای چهارمین روز اعتصاب خود را ادامه دادند. اعتراض این کارگران به خلف وعده های کارفرما و مسئولین مربوطه و تعویق پرداخت سه ماه دستمزد است. این کارگران در حرکت اعتراضی روز شانزدهم آبانماه برای پیگیری خواستهایشان در مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع کرده و به مسئولین دولتی اولتیماتوم جدی دادند که اگر تا روز شنبه آینده نوزدهم آبانماه به خواسته های آنان پاسخ داده نشود، اعتراض خود را به بیرون از شرکت انتقال خواهند داد. ماجرا از این قرار است که بنا بر مصوبه جلسه اخیر "شورای تامین استان" که با نمایندگان کارگران و کارفرما برگزار شد قرار شد دستمزد کارگران در دوازدهم تا پانزدهم هر ماه پرداخت شود. اما بدلیل عملی نشدن این وعده کارگران هفت تپه از روز چهاردهم آبانماه دور جدید اعتصابشان را آغاز کردند.

روز هفدهم آبانماه کارگران هفت تپه همچنین بنا به فراخوان نمایندگان منتخب خود مجمع عمومی شان را برپا کردند و پای سخن نمایندگانشان نشستند. در این مجمع اسماعیل بخشی یکی از نمایندگان منتخب کارگران طی

سخنان پرشوری ضمن توضیح مواقع و تماسهایی که با مقامات مختلف دولتی و مدیریت داشته اند، بر نقش شوراهای مستقل کارگری و اعمال اراده مستقیم کارگران از طریق این شوراهای اتحاد و همبستگی کارگری تاکید کرد. تلاش کارگران نیشکر هفت تپه برای ایجاد شورای مستقل کارگری، یک اقدام تاریخی شورانگیز و یک پیشروی بزرگ برای کل جنبش کارگری است. اعتراض کارگران هفت تپه به عدم پرداخت سه ماه دستمزد، نداشتن ایمنی شغلی، پیمانی شدن قراردادهای، و اعتراض به امنیتی شدن مبارزات کارگران و بساط دزدسالاری حاکم است. حزب کمونیست کارگری از مبارزات و خواستهای کارگران نیشکر هفت تپه قاطعانه حمایت کرده و کارگران در تمام مراکز کارگری را به متشکل شدن در تشکلهای مستقل خویش فرا میخواند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراهای سراسری کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آبان ۱۳۹۷، ۸ نوامبر ۲۰۱۸

بدنبال فراخوان از قبل اعلام شده، صبح روز ۱۴ آبان کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به تعویق پرداخت ۳ ماه دستمزد خود در مقابل مجموعه اداری این شرکت تجمع کرده و خواستار پرداخت فوری طلبهایشان شدند. سپس کارگران اعتصابی دسته جمعی به تالار اجتماعات شرکت رفته و خواستار پاسخگویی مدیران ارشد گروه ملی فولاد شدند. زیر فشار اعتراض کارگران نعمتی نژاد عضو هیئت مدیره این کارخانجات ناگزیر در جمع کارگران حاضر شد و وعده های همیشگی را به آنان داد. اما کارگران گروه ملی اولتیماتوم دادند که اگر مدیریت تا پایان هفته دستمزد آنان را پرداخت نکند، اعتراضات خود را از سر خواهند گرفت.

گروه ملی فولاد اهواز یکی از کانون های داغ اعتراضات کارگری بوده و از جمله اعتراضات این کارگران در یکساله اخیر میتوان به تجمع اعتراضی آنان در مرداد و شهریور و مارش هر روزه قدرتمند آنان در خیابانهای اصلی شهر اشاره کرد که طنین شعارهای آنها فضای فراموش نشدنی ای را در شهر ایجاد کرد. اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز از جمله اتفاقات سیاسی مهم در

در حاشیه " طرح واگذاری اینترنت به نیروهای مسلح " حکومت!

محمد شکوهی



اینستاگرامی و... در فضای مجازی و با دور زدن سدهای گوناگون سانسور و فیلترینگ حکومت فعالیت می کنند. فعالیت بیش از ۶۸ درصد این گروهها به اعتراف سایت "گرداب" وابسته به مرکز سانسور و فیلترینگ سپاه، برعلیه نظام است. به عبارتی جنگ مردم برعلیه حکومت علاوه بر خیابان و در مبارزات جاری هر روزه، در فضای مجازی نیز با قدرت ادامه دارد و این محل نگرانی جدی حکومت شده است.

حکومت و طرح واگذاری اینترنت به نهادهای نظامی اش قرار است سیاستهای حکومت که چیزی جز سانسور و فیلترینگ و کنترل نهادی سرکوبگر بر این رسانه... نمی باشد را اجرا کرده و جلوی "تهدیدات مجازی" علیه حکومت را بگیرد. در کنار این امر مهم البته صنعت اینترنت یک بخش سودآور نیز بوده و هر باند حکومت تلاش دارد سهم بیشتری بدست بیاورد. دعوای سپاه و بسیج و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی حکومت، دعوایی بر سر نحوه

همین دلیل به پیام رسانان خارجی که خارج از کنترل و سانسور حکومت می باشد، روی می آورند. در ماه اوت گذشته وزارت ارتباطات و شبکه سایبری سپاه رسماً اعتراف کرد، علیرغم تلاش و تقلاهایشان برای اعمال کنترل و سانسور بر اینترنت، بیش از ۳۰ میلیون نفر فقط از تلگرام استفاده می کنند و فیلترشکن براهی و ارزاتر از خیلی از مواد خوراکی در دسترس مردم می باشد.

اعتراف حکومت به گسترش استفاده از پیام رسانان خارجی؛ دور زدن سد سانسور و کنترل اعترافی به شکست سیاستهای سانسور و فیلترینگ فضای مجازی می باشد. تمام تقلاها و طرح های حکومت با هزینه های هزاران میلیاردی اش با شکست مواجه شده است. در کنار این مسئله نگرانی حکومت از کار و فعالیتهای گسترده مردم و بخشا جوانان در فضای مجازی، به مدیای اجتماعی در مبارزه مردم بر علیه حکومت جایگاه ویژه ای داده است. دهها هزار گروه تلگرامی واتس آپی و

نداشته است، متهم می کنند.

اشاره جهرمی به موضوع "پالایش اینترنت"، بخوان اعمال سانسور و فیلتر کنترل همه جانبه بر این صنعت توسط باندهای مختلف حکومت و تلاش سپاه و وزارت اطلاعات برای دست گرفتن کامل این صنعت، حاکی از وجود بحث و جدل های جدی در حکومت پیرامون نقش فضای مجازی و تلاش برای دست بالا پیدا کردن کنترل بر آن توسط باندهای حکومتی می باشد.

اما مهمتر از همه موضوعات مورد نظر حکومت، نگرانی های کل نظام از گسترش و استفاده روز افزون مردم از اینترنت علیرغم تقلاها و تلاشهایش برای سانسور و گسترش فیلترینگ... می باشد، که خواب آرام را از حکومت گرفته است.

حکومت صحبت از "تهدیدات فضای مجازی" کرده و دهها طرح و نقشه برای کنترل آن به راه انداخته است. به اعتراف مجلس و کمیسیون ارتباطاتش در طول یک دهه گذشته نزدیک به هزار میلیارد تومان صرف مقابله به "تهدیدات مجازی" شده است. از جمله این طرح ها در کنار فیلترینگ و گذاشتن سدهای مختلف برای جلوگیری از دسترسی مردم به شبکه های جهانی در مدیای اجتماعی، طرح "پیام رسانان داخلی" را راه انداخته است.

ماجرای "اینترنت پاک" و راه اندازی پیام رسانهای داخلی توسط نیروهای سپاه و بسیج با حمایت کل باندهای نظام، سیاست رسمی حکومت برای مقابله با مردم برای روی آوری به استفاده از پیام رسانان خارجی می باشد. ماجرای انتقال سرورهای پیام رسانی چون تلگرام، که نهایتاً با مخالفت این شبکه روبرو شد، در کنار عدم استقبال مردم از پیام رسانان حکومتی، استفاده از مدیای اجتماعی به عنوان یک ابزار سازماندهی در مبارزات جاری مردم علیه حکومت و... کل نظام را نگران کرده است. روزی نیست که اینها آمار و ارقام نشان ندهند و نگویند که پیام رسانان دست ساخت حکومت مورد اعتماد مردم نیستند و مردم به

رسانه های حکومتی این هفته گزارش دادند براساس طرح «ساماندهی پیام رسان های اجتماعی» پیشنهاد شده است که مدیریت گذرگاه بین الملل (اینترنت) از بدنه دولت جدا و در اختیار نیروهای مسلح قرار بگیرد. آذری جهرمی وزیر ارتباطات گفته است: در صورت تصویب مجلس برای واگذاری گذرگاه اینترنت بین الملل به نیروهای مسلح، این وزارتخانه با وجود مخالفت ملزم به اجرای آن است. وی پیرامون دلایل طرح بحث واگذاری اینترنت به نیروهای مسلح گفته است: برخی معتقدند «وزارت ارتباطات و اپراتورها صلاحیت لازم بر اعمال مقررات حاکمیتی و پالایش فضای مجازی ندارند.»

در واکنش به این سخنان جهرمی دست اندر کاران سازمان «پدافند عامل»، سازمانده و هدایت کننده ارتش سایبری حکومت گفته «این یک نیاز لازم و ضروری این دوره» بوده و همه نهادهای امنیتی و اطلاعاتی به اهمیت این طرح اذعان دارند. اپراتورهای خطوط اینترنت حکومت نیز ضمن "استقبال" از این طرح، آمادگی خود را برای عملیاتی کردن این طرح اعلام کرده اند.

در پس این مباحث حکومتی بر سر نحوه تسلط حکومت و باندهای اطلاعاتی و نظامی اش براینترنت و اینکه کنترل کدام بخش های حکومت باید بر این گسترده اعمال شود، اختلافاتی بین نهادهای حکومتی وجود دارد. مراکز قدرتمند نظام از سپاه و بسیج گرفته تا بیت رهبری، دولت روحانی را به "کم کاری" متهم کرده و بعضاً گفته اند که وزارت ارتباطات مانع اجرای این طرح میشود.

دولت روحانی و وزیر ارتباطاتش که زیر فشار رقبای سپاه و نیروها و نهاد های نظامی حکومت قرار دارد، پز "دفاع از دسترسی به اینترنت آزاد" را گرفته و طرف مقابل نیروهای سپاه و ارتش سایبری حکومت را متهم به اعمال کنترل های بیشتر براینترنت که در عمل تا به حال نتایجی به دنبال

وحدت و شدت اعمال کنترل و سرکوب آزادی دست یابی مردم به شبکه های مدیای اجتماعی و اینترنت می باشد که برای نظام کثیف اسلامی تبدیل به يك تهدید جدی شده است. حکومت هر کاری از دستش برمی آمده کرده است ولی نتوانسته سانسور و خفقان اینترنتی را در جامعه اعمال نماید. مردم از این طرح و نقشه های حکومت هم عبور خواهند کرد. کاری که در دوده گذشته کرده اند، به خوبی نشان می دهد که مردم در موقعیتی هستند که این تقلاهای حکومت را شکسته و دسترسی نسبتاً آزادشان به شبکه های مدیای اجتماعی تضمین بکنند.

محمد شکوهی
۸ نوامبر ۲۰۱۸

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و تجمع کارگران مترو، قطار شهری و کارگران شرکت واحد

کارگران این پروژه بر اثر شرایط نامناسب ایمنی محیط کار جان خود را از دست دادند و این وضعیت به خشم کارگران دامن زده است.

خواباندن تولید بالا گرفته است.

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

صبح روز ۱۴ آبان بخشهای مختلف نیشکر هفت تپه در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماهه مزد و ناروشنی وضع شرکت و خطر بیکار شدن از کار مقابل دفتر مدیریت دست به تجمع زدند.

اعتراض و تجمع قبلی این کارگران در شهریور ماه بود. اما از آنجا که هیچکدام از قولهایی که داده شد عملی نگردید و مشکلات کارگران همچنان به جای خود باقیست، کارگران نیشکر هفت تپه دوباره وارد اعتصاب شده اند. به گفته کارگران اعتصابی، این کارخانه با بیش از ۴۵۰۰ کارگر وضعیت نامعلوم و بحرانی ای دارد. از جمله تحت عنوان مشکل تامین منابع مالی و قطعات برای تولید زمزمه

تجمع اعتراضی کارگران پیمانی پروژه خط شش قطار شهری تهران

روز ۴ آبان کارگران خط شش مترو تهران در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماهه مزد و حق بیمه در مقابل دفتر مرکزی کارفرما واقع در منطقه مرزداران تهران دست به تجمع زدند. علاوه بر دستمزدها کارفرما هنوز بخشی از پرداختی کارگران که تحت عنوان "عیدی" پرداخت میشود و مربوط به سال گذشته است را به کارگران پرداخت نکرده است. عدم ایمنی محیط کار و افزایش آمار حوادث کار در پروژه ساخت خط ۶ قطار شهری تهران، یکی دیگر از موضوعات اعتراضی این کارگران است. طی دو ماه گذشته دو نفر از

تجمع اعتراضی کارگران مترو در تهران

صبح روز ۱۳ آبان کارگران مترو در تهران در اعتراض به پرداخت نشدن ۶ ماه دستمزد تجمع کردند. در يك ویلئو کوتاه که در شبکه های اجتماعی منتشر شده، یکی از کارگران معترض می گوید که دستمزد کارگران پرداخت نشده و کارفرما آنان را اخراج کرده است. این کارگران قبلاً نیز در تیرماه و شهریور ماه چند مرتبه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان تجمع کردند. پیمانکار این پروژه پس از

اعتصاب سراسری رانندگان کامیون به ۶۵ شهر رسید

فوری رانندگان بازداشتی شدند. رانندگان کامیون خواستهایشان را در هفته بند اعلام کرده اند. آزادی فوری و بدون قید و شرط ۲۶۲ راننده بازداشتی اولین خواست این دور از اعتصابات رانندگان کامیون است. از جمله دیگر خواستهای رانندگان کامیون عبارتند از: "افزایش حقوق بازنشستگی و سختی کار، حذف دلالت و واسطها از پایانهها و باربریها، امن شدن جاده های مرگبار، کاهش قیمت لاستیک و لوازم یدکی، افزایش ۷۰ درصدی پرداختی بابت حمل بار، نظارت بر برخورد های غلط و سلبقه ای مأموران راهنمایی و رانندگی و مجازات مأموران و افسران رشوه گیر، ایجاد تسهیلات رفاهی در پایانه های حمل بار و بیمه درمانی است.

رانندگان کامیون و کامیونداران در اعتراض به شرایط سخت کاری و درآمدهای زیر خط فقر خود نخستین بار در اول خرداد ماه ۹۷ به مدت ۲ هفته دست به اعتصاب زدند. دور پیشین اعتصاب آنان در مهر ماه بود به ۳۲۰ شهر کشیده شد.

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از مبارزات و خواستهای رانندگان کامیون و کامیونداران اعلام میکند. ۲۶۲ راننده اعتصابی باید فوراً آزاد شوند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران ۱۶ آبان ۱۳۹۷، ۷ نوامبر ۲۰۱۸

روز ۱۶ آبان اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیونداران وارد هفتمین روز خود شد. این دور از اعتصاب کامیونداران که از ۱۰ آبان آغاز شد و در پاسخ به فراقوانی در راستای برآورده نشدن مطالبات آنان و با خواست آزادی فوری ۲۶۲ راننده اعتصابی آغاز شده، تا کنون به ۶۵ شهر گسترش یافته است. بخش های مختلف جامعه و رانندگان کامیونها با ارسال پیامهایی از این اعتصاب حمایت می کنند. يك تاکید این پیامها بر آزادی فوری رانندگان اعتصابی است. از جمله روز ۱۶ آبان یکی از رانندگان از اسکله بندر عباس پیام داده و میگوید: "از اسکله بندرعباس با شما حرف میزنم اینجا همیشه پر از ماشین بود ولی الان با اینکه اطلاع رسانی کاملی از اعتصاب نشده بود محل بسیار خلوت است، اعتصاب و اعتراض ما بخاطر این است که همکاران عزیزمان که دستگیر شده اند آزاد شوند."

اعتصاب رانندگان انعکاس جهانی بسیاری داشته و به موضوع خبری بسیاری از سایت ها و خبرگزاری های بین المللی تبدیل شده است و مورد حمایت تشکلهای اتحادیه های بزرگ کارگری بین المللی قرار گرفته است. در ادامه حمایت های وسیع بین المللی اتحادیه خدمات تجاری آلمان و اتحادیه سراسری حمل و نقل جاده ای متحد (یو آری تی) در انگلیس حمایت خود را از مبارزات رانندگان کامیون اعلام کرده و خواستار آزادی

تجمع معلمان مشهد در اعتراض به ربودن هاشم خواستار

این سینا توسط حفاظت اطلاعات سپاه صورت گرفته است. صدیقه مالکی همسر هاشم خواستار طی بیانیه ای در تاریخ سوم آبانماه از همه مردم خواستار حمایت و کمک برای پیگیری وضع همسرش شده بود. در پاسخ به این درخواست معلمان در مشهد امروز چهاردهم آبان ماه دست به تجمع اعتراضی زدند. عمل جنایتکارانه ربودن هاشم خواستار با موجی از اعتراض در میان معلمان روبرو شده است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز در هفتم آبانماه طی بیانیه ای اعتراض خود را به ربودن هاشم خواستار توسط مقامات امنیتی رژیم ابراز کرده است. شورای هماهنگی در بیانیه اش اولتیماتوم داده و اعلام می کند: "اگر پرونده سازی، توهین، اتهام زنی، احضار و حبس معلمان در سراسر ایران متوقف نگردد معلمان این همه تحقیر و تعرض را بدون پاسخ نخواهند گذاشت."

ربودن هاشم خواستار و بستری کردن اجباری او در بیمارستان روانی

روز ۱۴ آبان معلمان در مشهد به همراه خانواده هاشم خواستار معلم بازنشسته و از اعضای سرشناس کانون صنفی معلمان در مقابل بیمارستان روانی این سینا که محل بازداشت خواستار است، تجمع کردند. هاشم خواستار اول آبان توسط نیروهای حکومتی ربوده شده و در بیمارستان روانی این سینا بزور بستری شده است و وضعیت او نگران کننده است. در تجمع امروز ۵۰ نفر از نیروهای سرکوب رژیم نیز از همان آغاز تجمع در محل حضور یافته بودند و اوضاع را تحت نظر داشتند. بعد از مدت کوتاهی پس از شروع تجمع مزدوران حکومت به مردم حمله کردند و ۸ نفر از تجمع کنندگان از جمله پسر هاشم خواستار را بازداشت کردند. نیروهای انتظامی همچنین صدیقه مالکی فرد همسر هاشم خواستار را نیز به زور داخل خودرو با خود بردند و از وضعیت وی اطلاعی در دست نیست. عمل وحشیانه ربودن و انتقال هاشم خواستار به بیمارستان روانی

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و تجمع ...

از صفحه ۶
پیمانکاران اصلی پروژه خط شش مترو تهران است.
اعتراض کارگران، قرارداد شماری از آنان را تعلیق و سپس آنها را اخراج کرد. خواست کارگران بازگشت به کار همکاران اخراجی شان است. شرکت سرمایه گذاری شهر آتیبه و گروه مپنا

فراخوان کارگران گروه ملی فولاد به تجمع ...

از صفحه ۶
اجتماعات شرکت رفته و خواستار پاسخگویی مدیران ارشد گروه به خواستهای خود شدند. زیر فشار اعتراض کارگران نعمتی نژاد عضو هیئت مدیره این کارخانجات وعده های همیشگی را تحویل داد و کارگران همانجا اعلام کردند که اگر تا آخر هفته طلبهای آنها پرداخت نشود، اعتراض خود را از سر خواهند گرفت. اکنون بدلیل خلف وعده های مدیریت کارگران گروه ملی در تدارک تجمع بزرگ خود در مقابل استانداری هستند.
مبارزات کارگران گروه ملی بویژه

واحد تهران و حومه برای مطالبه معوقات و وعده های دروغین مدیریت شرکت دست به تجمع زدند.
پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۴ آبان ۱۳۹۷، ۵ نوامبر ۲۰۱۸

عنوان يك راه مهم اعمال قدرت مستقیم کارگری و دخالتگری کارگر در وضعیت زندگی و مبارزاتش داشته است. با چنین پشتوانه ایست که دور جدید اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز آغاز شده است. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزات و خواستهای این کارگران و تلاشهای آنان برای ایجاد شورای مستقل خود حمایت و پشتیبانی میکند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران ۱۸ آبان ۱۳۹۷، ۹ نوامبر ۲۰۱۸

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود